

جایگاه زنان در قرآن کریم

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: بهمن ۱۳۹۸

علی نقی شریف زاد

دانشجوی دکتری الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، لرستان، ایران

نویسنده مسئول:

علی نقی شریف زاد



چکیده

بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، زن جایگاهی رفیع در نظام هستی دارد و از دامن زن مرد به معراج می‌رود. در این نوشتار با تکیه بر آیات قرآن کریم گذری بر جایگاه و منزلت زن و نیز آشنایی با زنان برجسته تاریخ خواهیم داشت. بر اساس مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، زنان از ویژگی‌های منحصر بفردی برخوردار بود که خداوند متعال به دفعات به آنها اشاره کرده است. افزون بر آن، زنانی همچون حضرت فاطمه زهرا، مریم، آسیه سلام الله علیهن و مادر حضرت موسی علیه السلام از آن دسته زنانی هستند که خداوند به اشاره یا تصریح از آنها به بزرگی یاد کرده است. نوع روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای می باشد.

کلمات کلیدی: زنان، حقوق، مشارکت سیاسی، قرآن کریم.

مقدمه

سعادت یا شقاوت آدمی در متن زندگی و روابط او با دیگران رقم می خورد و کیفیت رابطه ما بسته به این است که حقوق و جایگاه فردی و اجتماعی خود و دیگران را چگونه ارزیابی کنیم. از این رو، انسان همواره در تلاش بوده تا هم با تعقل و تجربه و هم با نگرش به ادیان و کتب آسمانی شأن وجودی و حقوقی خویش را باز نماید؛ تا آنگونه که هست و آنچه از او انتظار می رود را رعایت نماید و البته بر کسی پوشیده نیست که در این روند زن و مرد در یک رتبه قرار دارند.

اجحاف بر حقوق زنان در بسیاری از جوامع بشری ناشی از برتر دانستن مردان نسبت به زنان است. بسیاری از باورهای فرهنگی، بدون اینکه ربطی به مذهبی خاص داشته باشد در مذهب های گوناگون رسوخ کرده اند و این برتری را برای مردان (که لازم است درستی یا نادرستی آن بررسی شود) رقم زده اند.

خداوند متعال انسان ها را در قالب مردان و زنان به نیکوترین شکل و صورت آفریده و به هر یک جایگاه خاص به خود را داده است، چنانکه جایگاه هر موجود در جهان هستی، تابع اصل عدل و حکمت الهی است. به طور کلی در نظام هستی، هر موجودی دارای دو جایگاه است؛ جایگاه «عام» «خاص» جایگاه عام زن، همان جایگاه موجودات دیگر به عنوان آفریده‌ی خدای متعال است. به لحاظ جایگاه خاصی که زن در این جهان دارد می توان گفت او به مقتضای خلقت خویش از جایگاه ممتازی نیز برخوردار است که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد. جایگاهی که اگر آن را به عنوان یک امر الهی و عقلی، به انجام رساند به کمال انسانی خویش خواهد رسید.

تحلیل حقیقت ملکوتی نقش زن

بررسی و تحلیل احکام زنان در قرآن، همچون نقش پنهان زن در امور اجتماعی، فارغ از آثار اجتماعی آن، از جنبه حقیقت باطنی و آثار ملکوتی نیز قابل تحلیل است. در واقع، احکام عبادی در قرآن فقط بعد ظاهری و دنیوی ندارد؛ بلکه بعد باطنی و ملکوتی نیز دارد. امام خمینی (ره) در این زمینه می گوید: «بدان که چنانچه از برای انسان مقامات و مدارجی است، که به اعتباری او را دارای دو مقام دانند: یکی مقام دنیا و شهادت؛ و دیگر مقام آخرت و غیب؛ ... همین طور از برای نماز، که در بین عبادات و مناسک الهیه سمت جامعیت و عمودیت دارد، این مقامات طابق النعل بالنعل هست؛ ... چنانچه سایر مناسک از قبیل روزه و حج نیز همین طور است، گرچه به جامعیت نماز نیستند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۶).

بنابراین، احکام زنان نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ یعنی برای صورت ظاهری حکم پوشش و حجاب یا احکام نقش های خانوادگی و اجتماعی، مراتبی از حقایق باطنی وجود دارد که می توان آن را سر تشریح آن حکم دانست. در حقیقت، علت کلی تشریح احکام عبادی رساندن انسان به مقام انسان کامل است که به بیان قرآن، او خلیفه پروردگار (البقره/۳۰) و مظهر اسماء الحسنای الله است. پس هدف آیات قرآن به فعلیت رساندن همه اسمائی است که در انسان به ودیعت نهاده شده است (البقره/۳۱) و تفاوتی که آیات قرآن در برنامه عملی تربیت انسان میان دو جنس قائل شده، ظهوری خاص از اسما را در زن نسبت به مرد نشان میدهد که تابع شرایط جسمانی او در عالم خاک است، زیرا حیات مادی و دنیوی و جسم انسان مرکب سیر او در جهت قرب به خدا و وصول به غایت انسانیت است (البقره/۳۶). آیت الله جوادی آملی درباره تفاوت مظاهر اسمای الهی می گوید: «جمال و جلال، که از اسمای الهی اند، مظاهر گوناگون دارند، ولی چون جلال حق در جمال وی نهفته است و جمال وی در جلال او مستور است، مظهر جلال الهی به اندازه خود واجد جمال حق و نیز مظهر جمال خدا در حد خویش دارای جمال الهی است. نمونه بارز استتار جمال در کسوت جلال را می توان از آیات قصاص و دفاع استنباط نمود. حکم قصاص، اعدام، امانت، خون ریزی، انتقام، سلطه و... که از مظاهر جلال و جنود ویژه آن به شمار می روند، احیا، صیانت دم، مهر، تشفی و خشودوی و... که از مظاهر جمال و سپاهیان خاص آن شمرده می شوند را به همراه دارد».

تفاوت مظهریت زن و مرد برای اسمای جمال و جلال الهی را نیز به همین صورت می توان تبیین کرد: «زن در جلوه اسمای جمال، ظهور و فعلیتی دارد که مرد ندارد و مرد در جلوه اسمای جلال بروزی دارد که زن ندارد. این تقسیم بندی به اعتبار ویژگی های زن و مرد در خلقیات و بروز صفات زنانه و مردانه معنا می یابد. ... این تجلیات صور گوناگونی به خود می گیرند و کارکردها و نقش آفرینیهایی در حیات بشری می کنند که نظام حیات انسانی به آنها قوام و دوام می یابد و کمال هر جنسی به آن معنا پیدا می کند و می تواند بستر معنا کردن آباتی باشد که کار کردها و تفاوت های جنسیتی این دو جنس را بیان کنند».

فیروزی و فرهنگدپور در انتهای بحث مستوفی در مقاله «بررسی جهان شناختی حجاب در ساختار اسماء الله از منظر آیات و روایات» نتیجه می گیرند: «حجاب... حکایت از بعدی از اسم الهی غیب می کند و وضع آن در شکلی خاص برای زنان، ناشی از

رابطه خاص حقیقت زن با حقیقت این اسم است. همچنان که اسم الله غیب، خدا را از دسترس هر نامحرمی پوشیده می دارد و بار یافتن به مراتب حریم الهی، نیازمند محرمیتی است که در طی مسیر کمال معنا می یابد، حجاب نیز زن را در پرده غیب می نشاند و او را از دستبرد هر نامحرمی صیانت می کند».

سر نقش پنهان اجتماعی زن نیز به همین بیان روشن می شود که یکی از نمودهای آن در حکم حجاب و پوشش نمایان شده است. در واقع، خداوند با ذکر زنان به ضمیر غایب برخلاف مردان به راهکار ویژه تربیتی و هدایتی آنان برای وصول به غایت انسانیت اشاره دارد؛ یعنی خداوند بسیاری از وظایف اجتماعی را بر دوش مرد نهاده و آن را بر زن واجب نهموده تا برای زنان این فرصت فراهم شود که فارغ از تظاهرات اجتماعی و در خلوت خانواده و با استفاده از سرمایه عاطفی که خود به او عطا کرده، در جهت سلامت جسم و تعالی روح انسانی شوهر و فرزندان، یعنی افراد جامعه، خدمت کند و البته از سر مهر و رحمت و با تمرین فضیلت اخلاص بپذیرد که اثرگذاری اجتماعی او در مقایسه با مرد نمود کمتری دارد و گاه مورد بی توجهی واقع می شود. آنچه باید مورد دقت و توجه قرار گیرد این است که قرآن زن را از قبول مسئولیتهای اجتماعی منع ننموده، ولی مانند مردان برخی مسئولیت ها مانند تأمین اقتصادی خود و خانواده را بر زن واجب نکرده است (رضوانی، ۱۳۸۵: ۴۷).

از این رو، فرصت اثرگذاری پنهان و تمرین اخلاص و طی کردن مراتب رشد از این طریق برای مردان کمتر از زنان فراهم است. به بیان دیگر، خداوند براساس تفاوت خلقت و به تبع آن تفاوت احکام زن و مرد، امکان مظهریت اسم «غیب» الله را برای زنان بیشتر از مردان فراهم آورده است. زنان با پوشش خود تمرین می کنند که انتظار نداشته باشند همه زیبایی ها و شایستگی های اخلاقی و معنوی و آثار پربرکت اجتماعی شان شناخته شود و تمجید و ستایش شوند؛ همان گونه که با حجاب همه زیبایی ها و شایستگی های ظاهری شان آشکار نمی شود (النور/۳۱).

مبارزه با تبعیض جنسیتی در قرآن

قرآن کریم نخست سخن را از تفاوت و اختلاف بین زن و مرد آغاز نمی کند، بلکه نگاه اولیه قرآن ابتدا نظر بر وجه اشتراک و همسانی زن و مرد است و آن هم نه مربوط به کارکرد ها و نقش ها بلکه در ساحتی اصیل تر و بنیادی تر موضوع را مطرح می کند. قرآن به وجه اشتراک اساسی و بسیار مهمی اشاره نموده، انسان بودن انسان را ملاک قرار می دهد و در این موضوع حکم به یکسانی زن و مرد در خلقت و ارزش های اساسی و انسانی می نماید و با تأکید بر خلقت انسانها از نفس واحد، در ابتداء سوره نساء چنین می فرماید: «ای مردم از پروردگارتان بهره‌ییزید که همه شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را (نیز) از جنس او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بهره‌ییزید که همگی به عظمت او معترفید و هنگامی که چیزی از یکدیگر میخواهید نام او را می برید، (و نیز) از خویشاوندان خود (یعنی قطع ارتباط با آنها) بهره‌ییز کنید، زیرا خداوند مراقب شما است». همچنین در در آیه ۷۲ سوره نحل می فرماید: «خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد». روشن است این که در این آیات می خوانیم همسران شما را از شما قرار داد، معنی آن این است که از جنس شما قرار داد که از اعضای بدن شما همچنین در آیه دیگری می فرماید: «او کسی است که شما را از یک نفس آفرید».

یعنی شما با وجود تفاوت در جنسیت و با این همه چهره های گوناگون، ذوقها و افکار متفاوت و تنوع وسیع در تمام جنبه های وجودی، همه از یک فرد آفریده شده اید و این نهایت عظمت آفریدگار را می رساند که چگونه از یک مبدأ این همه انسانهای متفاوت آفریده است.

قرآن تفاوت در جنسیت را از نشانه های خدا میداند از نظر قرآن تفاوت در جنسیت و اختلاف در خلقت زن و مرد نه تنها یک مشکل و ناهنجاری تلقی نمی شود و نشانه تبعیض و ارجحیت یکی (مرد یا زن) بر دیگری نیست بلکه تفاوت جنسیتی را یکی از نشانه های خدا می داند، می فرماید: «و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابد و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه های است برای گروهی که تفکر می کنند».

قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پر معنی «لتسکنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. به راستی وجود همسران با این ویژگیها برای انسانها که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود. این آرامش از اینجا ناشی می شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می باشند؛ به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.

به هر حال مرحله زوجیت مرحله تداوم نسل انسان و تکثیر مثل او است. سپس موضوع بارداری مادران و وضع حمل آنها را پیش کشیده، می گوید: «هیچ جنس مادهای باردار نمی شود و وضع حمل نمی کند مگر به علم پروردگار (وما تحمل من انتی ولا تضع الا بعلمه)».

مسئله تقسیم نوع انسان به دو جنس مذکر و مؤنث یا تفاوت‌های فراوان در جسم و جان و مسائل فیزیولوژیکی که از همان آغاز انعقاد نطفه، راه خود را از یکدیگر جدا کرده و هر کدام به سوی رسالتی که بر عهده آنان گذارده شده پیش می‌روند و تکامل می‌یابند. بعد مسئله رسالت در مادر قبول و تحمل این بار و حفظ و تغذیه و پرورش آن پیش می‌آید که قرن‌ها است افکار دانشمندان بزرگ را به خود جلب کرده، معترفند که از عجیب‌ترین مسائل عالم هستی است.

ارزش معنوی یکسان مرد و زن

در آیات بسیاری از قرآن مجید، زن و مرد را در پیشگاه خدا و در وصول به مقامات معنوی در شرائط مشابه یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و به دنبال آن پاره‌ای از تفاوتها در مسئولیتهای اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر به دست آوردن تکامل انسانی نمی‌شمارد؛ بلکه هر دو را از این نظر کاملاً در یک سطح قرار میدهد و لذا آنها را با هم ذکر کرده است. قرآن مجید با صراحت می‌گوید: «هر کس از مرد و زن عمل شایسته انجام دهد و ایمان داشته باشد داخل بهشت خواهد شد و بدون حساب، روزی داده می‌شود». و یا در آیه دیگری فرماید: «هر کس از مرد و زن عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد به او حیات و زندگی پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آنها را به نحو احسن خواهیم داد». همچنین در حوزه اخلاق نیز قرآن تفاوتی میان زن و مرد قائل نبوده و تنها ملاک تقوا را معتبر می‌داند و می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرمی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است». در این آیه مخاطب کل جامعه انسانی است. منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسب انسانها به آدم و حوا است؛ بنابراین چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که جنسیت یا تژاد و نسب و قبیله و ... بر یکدیگر افتخار کنند و می‌فرماید: «گرمی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست» (ان‌اکرمکم عندالله اتقیکم) و همچنین در آیه دیگری از همین سوره زنان و مردان را در الزام عملی به اخلاق یکسان دانسته، از گناهان اخلاقی منع می‌کند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید».

در اینجا مخاطب مؤمنانند، اعم از مردان و زنان، قرآن به همه هشدار می‌دهد، نه جنسیت و نه هیچ ملاک مادی دیگر سبب نمی‌شود کسی تصور کند در پیشگاه خدا از دیگری برتر است و به همین دلیل تحقیر دیگران و خود را برتر شمردن یکی از بدترین کارها و زشتترین عیوب اخلاقی است که بازتاب آن در تمام زندگی انسانها ممکن است آشکار شود.

زنان و تحول شخصیت ساز تاریخ

در دوران جهل و انحطاط و کفر و طغیان، زنان به بهترین شکل ممکن با پلیدترین جباران تاریخ شجاعانه و در برابر طوفانهای کفر سرسختانه مبارزه کردند، که باعث شدند نقطه روشنی در زندگانی تاریخ بشر پیدا شود. آن روزی که مردان ادعای خدایی می‌کردند و دستور قتل عام پسران را می‌دادند؛ زنان بودند که پروردگار یکتا را به جامعه معرفی نمودند و پیامبر الهی را از دستور عام کشتار نجات دادند.

قرآن کریم جریان نجات موسی از چنگال فرعونیان به دست مادر و خواهر را به تصویر کشیده است تا همگان به عظمت شخصیت زنان احترام بگذارند.

«وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنْ الْمُرْسَلِينَ» (قصص، ۷).

و ما به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده و چون بر او بیمناک شدی، او را در دریا بیانداز و مترس و غمگین مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم. مادر موسی وقتی به امر پروردگارش فرزندش را به نیل انداخت به خواهر موسی گفت: «صندوق را دنبال کن». اگر مقصد نهایی اش قصر فرعون بود پیشنهاد دایه بده و بگو: آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کند و خیرخواه او باشد؟ «وَ قَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ». (قصص، ۱۱ و ۱۲). در شرایطی که سنگ دل‌ترین جبار بر مردم حکومت می‌کرد و دستور قتل همه نوزادان پسر را صادر کرده بود چنین پیشنهادی عادی تلقی نمی‌شد بلکه به نحوی استقبال از مرگ بود که خواهر موسی آن را پذیرفت و رسالت خود را به نحو مطلوب به پایان برد و موجب نجات موسی شد و از این لحظه به بعد پای زنی دیگر در میان است که با اصرار و پافشاری در متقاعد کردن فرعون به پذیرش موسی موجب تحول جامعه بشری در آینده می‌شود و او کسی نیست جز همسر فرعون؛ «وَ

قَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَ لَكَ لَا تَقْنُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص، ۹). و همسر فرعون گفت: او را نکشید که او روشنی چشم من و توست. شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی بگیریم. از این رو این بانوی پرهیزگار اساسی ترین نقش در استقرار دولت الهی موسی در دربار فرعون را ایفا نمود که سرانجام منجر به نابودی حکومت جور و اقتدار بنی اسرائیل شد.

امتیازات قرآن کریم برای زنان

اسلام علاوه بر حذف سنت های غلط علیه زنان و نیز تعدیل و قانون مند کردن سنتهای بی ضابطه، دستاوردهای بزرگ تری نیز برای زنان به ارمغان آورد که در نوع خود چشمگیر بود. برخی از این امتیازات به قرار زیر است:

۱. حق ارث: زنی که تا آن زمان خود به ارث برده می شد و دارای هیچ گونه حقوقی مدنی و اجتماعی نبود؛ در سایه احکام اسلامی دارای حق ارث می گردد.

۲. حق شهادت: شهادت دادن دو مرد و در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دو زن. شاید این آیه را بتوان نقض برابری زنان در نظر گرفت، اما به نظر می رسد؛ آیه ۲۸۲ سوره بقره تشویق و حمایتی از زنان است تا آرام آرام، پا به فعالیت اجتماعی و حقوقی بیرون از خانه گذارند. این آیه برای حمایت از زنانی است که به طبع عدم فعالیت های اجتماعی و نیز مرد سالاری حاکم در موقعیت زمانی و مکانی عربستان، اعتماد به نفس لازم را برای حضور در کنار مردان و نیز جرأت بیان عقاید و باورهایشان را نداشته باشند، اما زمانی که دو نفر می شوند، به پشتوانه همدیگر جرأت پیدا می کنند.

۳. حق مالکیت بر درآمد و اموال مالکیت یا دارا شدن یکی از مسائلی است که در همه شرایع ابراهیمی پذیرفته شده و از احترام خاص برخوردار است. در این میان اسلام احترام خاص برای مالکیت در نظر گرفته است. ... پذیرش اصل مالکیت در بسیاری از آیات قرآن نمود یافته است. در این زمره اند آیاتی که اموال را به افراد اسناد می دهند:

۴. (ولا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُم) (مال های خود را به نابخردان مسپارید).

۵. و نیز: (و اتوا الیتامی اَمْوالهم) (مالهای یتیمان را به آنان بپردازید) (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۲۳۲).

۶. برابری زن و مرد در پاداش ها و کیفرهای دنیوی و اخروی: احکام زنا- احکام سرقت - احکام قصاص - احکام دیه - احکام طلاق.

۷. مبرا دانستن حوا از ارتکاب گناه نخستین: کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان، عهد عتیق و جدید، مسئولیت اصلی نخستین گناه آدمیان را بر عهده حوا قرار داده است؛ زیرا او بوده که ابتدا فریب شیطان را خورد و از میوه درخت معرفت (معرفت خیر و شر) تناول کرد و سپس مقداری هم به آدم داد. زمانی که خدا آدم را در این باره بازخواست نمود، او گناه را به گردن حوا انداخت و از این رو خداوند، درد و رنج بارداری و زایمان و نیز انقیاد زن در برابر شوهر را به عنوان مجازات بر حوا قرار داد که این مضمون کتاب مقدس به روشنی گویای آن است که در نگاه خداوند نیز سرانجام حوا مقصر اصلی شناخته شد.

اما در آموزه های اسلامی تصویری که از گناه نخستین ارائه شده، بدین قرار است: آیات قرآن کریم خوردن از شجره ممنوعه را گناه مشترک آدم و حوا معرفی کرده و هیچ تصریح یا تلویحی به این مطلب ندارد که شیطان ابتدا حوا و سپس از طریق او آدم را فریب داده است، بلکه وسوسه شیطان را شامل آدم و حوا به طور مشترک دانسته است و از بازخواست شدن هر دو از سوی خداوند و سرانجام از پشیمانی و توبه آن دو به طور همزمان حکایت دارد (اعراف: ۱۹-۲۳، بقره ۳۵-۳۶). در یک مورد نیز از وسوسه شدن آدم به طور خاص سخن به میان آمده است (طه: ۱۱۷-۱۲۱).

امتیازات مقام زنان

قرآن کریم ویژگی‌های منحصر به فردی را برای زنان بر می‌شمرد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱- زن و تکثیر نسل انسان

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«سَاءَ لَكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِي سَتْتَمُّ» (بقره، ۲۲۳).

«زنان شما کشتزار هستند پس به کشتزارهایتان نزدیک شوید هرگاه که خواستید».

در اینجا زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند و این تشبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره‌ی نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است؟ در حالی که نکته‌ی لطیفی در این تشبیه نهفته شده، در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله‌ی خاموش کردن شهوت و هوسرانی مردان نیست بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر، این سخن در برابر آنها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسرانی می‌نگرند هشدار می‌دهد (زمانی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

وجود چنین جایگاهی برای زن، مسئولیت و وظیفه‌ی او را در مرتبه‌ی انسانی بسیار سنگین کرده تا آنجا که اگر وظیفه انسانی را با وجود چنین جایگاهی ترک می‌گوید، پایه و اساس فساد اخلاقی خواهد شد و اگر مسئولیت الهی حق را در این جایگاه عظیم تن دهد سعادت فردی و اجتماعی را تضمین کرده است به جهت وجود چنین جایگاه ممتازی، دامان زن، مدرسه‌ی انسان‌سازی و او خود مربی این مدرسه انسانی است. آری رحم زن دیندار، کشتزار مناسبی جهت پرورش انسان الهی می‌باشد.

۲- زن و ایجاد آرامش

خداوند متعال در آیات متعددی زن را مایه‌ی آرامش زندگی معرفی می‌کند:

«مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم، ۲۱).

«و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید».

خداوند متعال در این آیات، آفرینش زنان را که مایه‌ی آرامش بخشی به زندگی است را از نشانه‌های خود معرفی می‌کند. به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها، برای انسانها که مایه‌ی آرامش زندگی است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود و اگر کسی تفکر و تعلق کند متوجه می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگرند و مایه‌ی شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند و زن است که کانون خانواده را گرم و با نشاط نگه می‌دارد و باعث رشد و کمال انسان می‌شود. (فتاحی نژاد، ۱۳۸۶: ۴۹).

آری خداوند متعال همسر بودن زن را آیه‌ی خویش خوانده و اثر وجودی او را سکون دانسته. و این خود دلالت بر ویژگی ممتازی دارد که در زن وجود دارد.

۳- زن و مقام مادری

از دیگر ویژگی‌های ممتاز زنان که سیمایی انسانی و رحمانی به آنها بخشیده است، شأن و منزلت مادری است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بَوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...» (احقاف، ۱۵).

«ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است».

در این آیه لزوم حق‌شناسی در برابر مادر یادآور شده و بر سه محور اساسی تأکید می‌شود:

الف. دوران حمل: قرآن کریم در این آیه رنج‌ها و مرارت‌های مادران را در دوران حمل خاطر نشان می‌سازد؛ «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا».

ب. وضع حمل: بر اساس این آیه مادران به هنگام وضع حمل نیز سختی و رنج فراوانی را متحمل می‌شوند؛ «وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا».

ج. دوران شیردهی: دوران طولانی مدت شیردهی نیز یکی دیگر از مقاطع پر زحمت دوران زندگی مادران است که در این آیه مورد تأکید قرار گرفته است. «حَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا».

وی در طول این سی ماه بزرگ‌ترین ایثار و فداکاری در مورد فرزندش انجام می‌دهد، چنانکه با صبر و حوصله تمام نیازهای فرزند را تشخیص داده و برآورده می‌کند.

مسأله نیکی به پدر و مادر از اصول مهم انسانی است که حتی کسانی که پایبند به دین مذهبی نیستند نیز به طور فطری والدین را محترم می‌شمارند. بنابراین به فرمان خداوند باید در مقابل خدمات بزرگ پدر و مادر نیکی‌های بزرگ و برجسته انجام شود (بهشتی، ۱۳۸۷: ۳۲۵).

و منظور نمودن این موضوع از جانب خداوند، خود اظهار قدردانی از زحمات مادر و محبت مادری اوست. نتیجه اینکه، یک زن، نقش عظیمی در ایجاد آرامش و محبت در زندگی و نقش پرورش جنین سالم و تربیت صحیح فرزندان در مسیر الهی، می‌تواند داشته باشد. و به خاطر همین است که اسلام تأکید بر ماندن زن در جایگاه عظیم انسانی‌اش دارد. در تاریخ شاهد آنیم که مردان بزرگ جهان، موفقیتشان، مرهون پاکی ولادت آنها و تربیت صحیحشان در زندگی بوده است.

۴- مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی

قرآن ضمن توجه به تفاوت‌های جنسیتی و معاف نمودن زنان از برخی تکالیف دشوار مانند جهاد و در سایر امور که امکان حضور و فعالیت سیاسی و اجتماعی وجود دارد، حضور زنان را به رسمیت می‌شناسد و به عنوان مثال در موضوع مهمی همچون مباحله می‌فرماید: «هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

آنچه در این آیه مورد نظر محقق می‌باشد نقش زنان و دارا بودن مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اسلام میباشد. اگرچه در این آیه به تأثیر و نتیجه مباحله تصریح نشده، از آنجا که این کار به عنوان آخرین حربه، بعد از اثر نکردن منطق و استدلال، مورد استفاده قرار گرفته، دلیل بر این است که منظور ظاهر شدن اثر خارجی این نفرین است نه تنها یک نفرین ساده.

۵- آزادی زن در اعتقاد

آزادی زن در اعتقاد به نحوی آزادی معنوی زن محسوب می‌شود، که اساس تفاوت میان مکتب‌های بشری با انبیاء و کتب آسمانی است و علاوه بر آزادیهای سیاسی و اجتماعی، آزادی معنوی نیز به ملت خود ارزانی می‌دارد، چرا که هم جنبه جسمانی و هم جنبه روحانی بشر مد نظر انبیاء است؛ تا انسانها بتوانند روح خود را تغذیه کنند و جنبه انسانی را بر جنبه حیوانی خود برتری دهند. لذاست که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْءَ أَخْتِكُمْ وَ رِيْشًا وَ لِبَاسُ النَّفْسِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ». (اعراف، ۲۶). حلاوت این غذای معنوی در اختیار و انتخاب آزادانه شخص است. ناگفته نماند که عده بسیار زیادی از انسانها از این آزادی سوء استفاده می‌کنند و آن را در راه تقویت قوای حیوانی بکار می‌گیرند که موجب نابودی انسانیت آنها می‌شود. که کتاب مقدس و قرآن کریم نگاهی به آن داشته‌اند.

مشترک بودن زن و مرد در اصول مواهب وجودی یعنی در داشتن اندیشه و اراده، که این دو مولد اختیار هستند، اقتضا می‌کند که زن نیز در آزادی فکر و اندیشه و اراده و در نتیجه داشتن اختیار، شریک با مرد باشد، همانطور که مرد در تصرف در جمیع شئون حیات فردی و اجتماعی خود استقلال دارد، زن نیز باید استقلال داشته باشد. اسلام که دینی است بر پایه فطرت، این استقلال و آزادی را به کاملترین وجه به زن عطا نموده است. آیات ذیل خود بیانگر آزادی در انتخاب عقیده است و هرکس بر اساس اختیاری که خداوند در اختیار او داده است عمل می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۱۴).

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةً نُوحٍ وَ امْرَأةً لُّوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِيْنَ * وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةً فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ اِنِّىْ لِىْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِى الْجَنَّةِ وَ نَجِّىْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهٖ وَ نَجِّىْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّٰلِمِيْنَ * وَ مَرْيَمَ اِذْ نَتَتْ عِمْرَانَ الَّتِىْ اَحْضَنْتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهِ مِنْ رُّوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِىْ مِنَ الْقَائِمِيْنَ» (تحریم، ۱۲-۱۰).

خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده است که این دو زن، همسر دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. پس در برابر (کیفر) خداوند، برای آن دو زن هیچ کاری از آن دو پیامبر ساخته نبود و به آنان گفته شد: به آتش وارد شوید با وارد شوندگان. و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، همسر فرعون را مثال زده است. آنگاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش. و نیز مریم دختر عمران زنی که دامن خویش را حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه‌گان بود.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت که در نظام فکری دین اسلام، زن جایگاهی رفیع و مسئولیت های بزرگی دارد، که اگر در جایگاه اصلی خود که همگام با ساختمان وجودی اوست، قرار گیرد، بسیاری از مشکلات خانواده و اجتماع حل می شود. اما اگر از این جایگاه جدا شود در قربانگاه شهوت پرستان بی درد، در پشت پرده های نفاق و در پوششی زیبا بنام آزادی، قربانی می شود. در این هنگام هرگز نباید از او پرورش انسان صالح انتظار داشت، چرا که فرزندان در رحم ناپاک و خوردن شیر آلوده و غذای حرام، متمایل به فضایل نمی شوند.

باید اذعان کرد که استعداد های زنان مربوط به امور خانه داری و امثال آن نیست. و نمی توان به بهانه های مختلف زنان را خانه نشین و آنان را محدود کرد، چرا که این تفکر موجب ضرر و زیان جامعه در سطحی گسترده می گردد، می توان به جای کنار زدن و واپس زدن این قشر در پی شناخت استعدادها، ظرفیت ها و تواناییهای آنان همت گماشت و از آنان برای رفع موانع امور جامعه در پیشرفت و ترقی استفاده نمود. همانگونه که آیات قرآن کریم بر این موضوع مهر تأیید گذاشته و راه را برای مردان برای استفاده صحیح و کارآمد از زنان در امور مختلف از جمله رسالت های دینی مشخص نموده است. این فقط یک مورد از موارد بسیار زیادی از لیاقت و شایستگی زنان در قرآن است، چراکه می توان از مملکت داری ملکه سبأ، مشورت دختران شعیب با پدر (البته در قالب پیشنهاد) و جایگاه رفیع مریم که هر کدام در تاریخ نقش آفرین بودند، نیز نام برد.

منابع و مراجع

- ۱- بهشتی، احمد. ۱۳۸۷. خانواده در قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ دوم. ۱۳۷۷.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
- ۳- رضوانی، علی اصغر. ۱۳۸۵. اسلام شناسی، پاسخ به شبهات. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۴- زمانی، محمدحسن. ۱۳۸۵. مستشرقان و قرآن. قم: بوستان کتاب.
- ۵- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۷. قرآن در اسلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۷. تفسیر المیزان. مترجم سید محمد باقر همدانی، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
- ۷- فتاحی نژاد، فتحیه. ۱۳۸۶. زن در تاریخ و اندیشه اسلامی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.